**انترناسیونال ۶۲۰**

**اصغر کریمی**

**در ضرورت یک پلاتفرم برای جنبش ضد مذهبی در ایران**

بی مذهبی سابقه ای طولانی در ایران دارد. از دوره مشروطیت جان تازه ای گرفت، در دوره پهلوی با رشد صنعت و شهرنشینی و توسعه مدارس و دانشگاهها وسعت گرفت و در جمهوری اسلامی به یک جنبش عظیم تبدیل شد و میلیون ها نفر را در برگرفت. علت رشد این پدیده در جمهوری اسلامی روشن است. تجربه حکومت مذهبی و دخالت مذهب در جزئی ترین جنبه های زندگی مردم، چشم مردم را نسبت به این پدیده بازتر کرد و جنبش ضد مذهبی به عرصه ای از مقاومت و مبارزه وسیع و هر روزه علیه حکومت تبدیل شد. هر کس خود را مخالف حکومت تعریف میکند، یعنی میلیونها نفر، خود بخود با مذهب حکومت هم درمی افتد. آمارهای کارشناسان خود حکومت درمورد کسانی که نماز نمیخوانند و یا درمورد رابطه دختر و پسر نشان میدهد که چگونه جامعه و بویژه نسل جوان از مذهب دور شده است. امروز جامعه ایران یکی از ضد مذهبی ترین و پرتحرک ترین جوامع علیه مذهب و مشخصا اسلام است و در مقایسه با فرانسه قرن نوزده بسیار عمیق تر، اجتماعی تر و مدرن تر است.

جمهوری اسلامی این جنبش را تهاجم فرهنگی غرب میخواند. قطعا فرهنگ پیشرفته تر غرب در همه زمینه ها تاثیرات عمیق خود را بر جامعه ایران گذاشته است. از مشروطه تا دوره پهلوی ها و تا امروز مردم ایران ایده های نوینی از غرب گرفته اند و از نظر فرهنگی، غرب الگویی برای جامعه ایران بوده است. اما امروز بدلایلی که اشاره کردم جامعه ایران از همه جوامع غربی نسبت به مذهب تهاجمی تر و زنده تر است. اگر اینترنت را کاملا قطع کنند که نمیتوانند، اگر ماهواره ها را جمع کنند که همه زورشان را زدند و نتوانستند، اگر رفت و آمد به کشورهای غربی را ممنوع کنند که عملی نیست و اگر رابطه این کشور را با دنیای بیرون خود بطور کامل قطع کنند، این جنبش همچنان روی پای خود ایستاده و مدام در حال عضوگیری و پیشروی است.

هدف از این نوشته بررسی تاریخی این جنبش نیست که البته موضوعی بسیار جالب است و هرچند نوشته ها و ترجمه های زیادی در این زمینه به فارسی وجود دارد، اما همچنان ضروری است این تاریخ بدقت مکتوب شود. هدف از این نوشته بررسی مختصر موقعیت امروز این جنبش و تاکید بر ضرورت پلاتفرمی تعرضی برای آن است. این جنبش میتواند و همین امروز ظرفیت آنرا دارد که بسیار کاراتر و موثرتر در صحنه سیاسی ایران عرض اندام کند.

یک ویژگی این جنبش در ایران این است که با روشنگری و آثار روشنفکران و نویسندگان و کلا طیف روشنفکر جامعه شکل نگرفته است. اروپا شاهد غول های فکری علیه مذهب بود که علیه کلیسا و مسیحیت قد علم کردند و در قلمرو فکری و فلسفی مذهب را نقد کردند و یک جنبش اجتماعی با درکی عمیق و روشن از پایه های تاریخی و معنوی و سیاسی مذهب شکل دادند. فضای سیاسی حاکم بر جوامع اروپایی در دوره انقلابات بورژوایی ضد فئودالی متاثر از این جنبش بود. سخنگویان انقلاب فرانسه و انقلابات و تحولات زیر و رو کننده در غرب همگی متاثر از آثار این روشنفکران بود. روشنفکرانی که خلاف جریان بودند، باید با کلیسا و باورهای مذهبی حاکم در آن دوره در می افتادند و با شهامت این رسالت را بدوش گرفتند و نقش تاریخی خود را ایفا کردند. جنبشی که کل اروپا را دگرگون کرد، فضای فکری سیاسی جوامع اروپایی را متحول ساخت، کلیسا را سر جای خود نشاند و مذهب را به پستوهای خانه های مردم عقب راند. در ایران شاهد این روند نبودیم. بدنبال سرکوب روشنفکران آتئیست دوره انقلاب مشروطه و استبداد رضاخانی وقفه ای در این راه بوجود آمد و با رشد جنبش آل احمدی در دهه سی به بعد، بسیاری از نویسندگان و شعرا و ادبای ایران بجای روشنگری علیه مذهب، دست به انبان مذهب، حالا البته در مقابل غربگرایی حکومت شاه و در واقع علیه هر نوع تمدن و پیشرفتهای فرهنگی و مدنی در غرب، بردند و شروع به تقدیس "مذهب توده ها" و کل سنتهای مذهبی کردند. جنبش واقعی و اجتماعی علیه مذهب در دوره جمهوری اسلامی و از پایین و بعنوان سدی در مقابل حکومت آخوندها شکل گرفت. نفرت عظیمی علیه مذهب سر بلند کرد، از نظر فرهنگی به مقدسات حکومت تعرض کرد، فرهنگ غربی را در ایران گسترش داد، رابطه دختر و پسر را غیر اسلامی کرد، حجاب را عقب راند، آخوند را سکه یک پول کرد، فضا را در محیط های کار و تحصیل و در فضای زندگی عمومی بر اسلامیون تنگ کرد، هزاران جوک علیه خدا و محمد و کل مقدسات اسلامی در میان مردم چرخید و فضایی ایجاد کرد که یکی از مقامات حکومتی رسما اذعان کرد که مردم از پیروان امام حسین بیزارند و بالای ۹۰ درصد رابطه «نامشروع» با جنس مخالف یا هم جنس را هم اعلام کردند. اما در ایران ما جریانی مثل حزب کمونیست کارگری را داریم که یک حزب ضد مذهب است و اساسا بر دستاوردهای فکری و سیاسی همان جنبش ضد مذهبی و سکولار و سوسیالیستی در غرب استوار است. این حزب فعالیت های وسیعی در چهارچوب توان یک حزب سیاسی علیه مذهب داشته است و در واقع بخشی از همین جنبش ضد مذهبی است و بر آن به اشکال مختلف تاثیرات عمیق و اساسی گذاشته است. در واقع از این نظر میتوان گفت این حزب حلقه رابط جنبش ضد مذهبی در ایران با کل فرهنگ پیشرو و رادیکال و ضد مذهبی در غرب است و دستاوردهای عظیم اجتماعی، سیاسی، فکری و مطالبات این جنبش در غرب را در ایران دامن زده است. جنبش ضد مذهبی در ایران هم توسط یک حزب با پلاتفرم و مطالباتی بسیار رادیکال و روشن در این زمینه نمایندگی میشود و هم ابعاد بسیار وسیع اجتماعی دارد. اینها دو نقطه قوت مهم این جنبش است. اما نقطه ضعف آن این است که این جنبش علیرغم همه پویایی و تحرک خود، در عمل مطالبات روشنی را به پلاتفرم خود تبدیل نکرده است و ثانیا پیوند میان این جنبش و حزب کمونیست کارگری باید محکم تر و وسیع تر شود.

جنبش ضد مذهبی در ایران پتانسیل بسیار عظیمی دارد که به کار نیفتاده است. توده ای و وسیع اما بی شکل است، نقش و جایگاه تعیین کننده خود را درک نکرده است، از نظر فرهنگی در حال تعرض است و همچنان به پیش میرود و هیچ نیرویی قادر به مقابله با آن نیست اما پلاتفرمی را در عمل و به طور گسترده به دست نگرفته است و از این نظر بسیار ضعیف عمل میکند. بدرجه ای که این ضعف کمرنگ تر شود به همان درجه تاثیرات این جنبش کوبنده تر خواهد شد. رفع این ضعف بعهده فعالین این جنبش است. با این توضیح نکات زیر را در راستای یک پلاتفرم برای این جنبش مطرح میکنم و امیدوارم با رشته بحث هایی به این گفتمان کمک کنم.

همانطور که در ابتدا اشاره کردم اعضای این جنبش یعنی توده های وسیع مردم و فعالین این جنبش در هر کوی و برزنی و در هر کارخانه و اداره و مدرسه و دانشگاهی حضور دارند. باید گفتمانی به وسعت این نیرو راه انداخت و تحرک برای مسلح کردن این جنبش به یک پلاتفرم مبارزاتی را در دستور گذاشت. بنظر من خطوط این پلاتفرم میتواند اینها باشد:

١- نقد و افشای سیاسی و طبقاتی مذهب بسیار مهم است. مذهب همیشه در طول تاریخ در خدمت یک اقلیت مفتخور و ستمگر بوده است. مذهب با پیوند دادن تمام امتیازات دنیوی برده داران و اربابان و سرمایه داران و ثروتمندان به مشیت الهی و تحقیر و تبدیل انسانها به بندگان ناتوان خدا، و وعده بهشت آخرت با تحمل جهنم دنیوی و امثال اینها، حاکمیت و یکه تازی و چپاول اقلیتهای بی خاصیت و ضد بشری را تداوم بخشیده است. بقای امروز مذهب نیز تماما با اتکا به حمایت گسترده طبقه سرمایه دار و دولتهایش میباشد. به همین دلیل جنبش ضد مذهبی در شرایط کنونی باید اساسا بر این محور استوار شود.

٢- یک رکن مهم مذهب تحمیل بیحقوقی کامل و قوانین عقب مانده و شرم آوری است که در حق زنان عمل میکند. جنبش رهایی زن نیز فی نفسه ضد مذهب است و با پیشروی خود عملا یک ستون بزرگ مذهب را در هم شکسته است. این دو جنبش از هم تفکیک ناپذیرند و از هم نیرو میگیرند. فعالین ضد مذهب باید با بلند کردن خواست لغو همه قوانین ضد زن، با جنبش رهایی زن جوش بخورند و آنرا تقویت کنند.

٣- رواج دادن مطالباتی مانند آزادی مذهب و بی مذهبی، جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش و سیستم قضایی و ساختن حکومتی کاملا سکولار، کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم، لغو مقوله مذهب رسمی، ممنوعیت هر نوع تقویت مالی و مادی و معنوی مذهب و فعالیت ها و نهادهای مذهبی توسط دولت، مصونیت کودکان از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذهب و ممنوعیت جلب کودکان به فرقه ها و مراسم های مذهبی، برابری کامل زن و مرد، مصادره کلیه اموالی که توسط نهادها و مراجع مذهبی بالاکشیده شده است، آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و دست انداختن و طنز مقدسات و ...

٤- پخش ادبیات ضد مذهبی در میان مردم و بردن آگاهی ضد مذهبی در جامعه

۴- ناامن کردن محیط برای آخوند و اوباش نهی از منکر و زیر فشار قرار دادن آنها هر جا که ظاهر میشوند. بدرجه زیادی این وضعیت را اکنون در ایران شاهد هستیم که آخوندها، حزب اللهی ها و خواهر زینب ها به تمسخر گرفته میشوند و حتی توسط جوانان مورد تعرض قرار میگیرند. این را باید بطور نقشه مند گسترش داد و سراسری کرد.

۵- دامن زدن به مباحث ضد مذهبی و تبلیغ این مطالبات در مدیای اجتماعی

۶- تلاش سیستماتیک برای غیر مذهبی کردن موسسات آموزشی از مدارس تا دانشگاهها و بیرون انداختن آخوند و نهادهای مذهبی از این موسسات.

۷- مقابله با ناسیونالیسم ضد عرب و جریانات قومی و مذهبی سنی و غیره و هر نوع نگرشی که شکاف میان مردم را دامن میزند و یا تلاش میکند در مقابل اسلام شیعی، به مذهب دیگری مشروعیت بدهد و از "آخوند خوب" و "مذهب ایرانی" در برابر مذهب بیگانگان دفاع میکند.

۸- همینطور مقابله با جریانات ملی اسلامی که میخواهند به بهانه "اصلاح حکومت"، در عمل آنرا حفظ کنند و مذهب و حکومت و نهادهای مذهبی را از تعرض مردم مصون نگهدارند.

٩- فشار به احزاب و جریانات اپوزیسیون که به اشکال مرئی و نامرئی از مذهب و یا جریانات مذهبی دفاع میکنند و یا فعالیت شان رنگ و بوی مذهب دارد.

۱۰- بالاخره این مهم است که فعالین جنبش ضد مذهبی توجه داشته باشند که بخشی از معتقدان به مذهب انسان های شریف و زحمتکشی هستند که کوچکترین نفعی در تداوم مذهب و حکومت مذهبی ندارند. اینها موضوع کار آگاهگرانه فعالین ضد مذهب باید باشند. باید با کار با حوصله و با دست بردن به منافع طبقاتی آنها، زیان مذهب و قوانین و سنت های عقب مانده و ضد زن و ضد انسانی مذهب را برایشان توضیح داد و در قدم اول و حتی در صورت وجود اعتقاد به مذهب، آنها را به مطالبات این جنبش مسلح ساخت. آنها را از شرکت در مراسم های مذهبی و مسجد و امامزاده منع کرد و بر رفتار آنها نسبت به زنان و کودکان تاثیر گذاشت.

میتوان خیلی نکات به این پلاتفرم اضافه کرد. اینها سرفصل ها و یا فشرده ای از مهمترین اقداماتی است که فعالین این جنبش میتوانند در دست بگیرند، جمعها و محافلی حول آن تشکیل بدهند و رابطه خود را با حزب کمونیست کارگری نزدیک تر کنند. این یک نیروی عظیم در جامعه ایران است که در فردای جمهوری اسلامی و در یک دوره بسیار کوتاه مدت اثری از مذهب نه تنها در قوانین این مملکت بلکه در فضای عمومی جامعه باقی نخواهد گذاشت. مساله مهم و فوری اما این است که این نیرو همین امروز جایگاه مهم خود را دریابد و تحرکی سیاسی تر و آگاهانه تر را شروع کند نقشی بمراتب تعیین کننده تر بعهده بگیرد. توان بالقوه این جنبش بسیار فراتر از نقشی است که در حال حاضر دارد.